

سنة الفجر

دانشگاه آزاد اسلامی

واحد مرودشت

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی،

گروه مشاوره

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A) در رشته مشاوره

عنوان:

نقش واسطه ای دلبستگی به همسر در ارتباط با دلبستگی به والدین، نظام ارزشی و عزت نفس جنسی در

زنان شهر شیراز

استاد راهنما:

دکتر نازنین هنرپروران

استاد مشاور:

دکتر سوسن سهامی

نگارش:

ندا دبیری

زمستان ۱۳۹۲



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

منشور اخلاق پژوهش

با یاری از خداوند سبحان و اعتقاد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، ما دانشجویان و اعضاء هیئت علمی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

۱- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت.

۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسن، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.

۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش.

۴- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.

۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.

۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهادهای مرتبط با تحقیق.

۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب نقد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی.

۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.

۹- اصل برائت: التزام به برائت جویی از هرگونه رفتار غیرحرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شائبه های غیرعلمی می آلاینند.



معاونت پژوهش و فن آوری
به نام خدا
تعهد اصالت رساله یا پایان نامه تحصیلی

اینجانب **ندا دبیری** دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد در رشته **مشاوره**

که در تاریخ ۹۲/۱۱/۳۰ از پایان نامه خود تحت عنوان

"نقش واسطه ای دلبستگی به همسر در ارتباط با دلبستگی به والدین، نظام ارزشی و عزت نفس جنسی در زنان شهر شیراز"

با کسب نمر ۱۸ دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

- (1) این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آنرا در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده ام.
- (2) این پایان نامه قبلاً برای هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- (3) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- (4) چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء

آن کس که به من یک کلمه آموخت، مرا یک عمر بنده می خود کرد.

امام علی (ع)

تقدیر و تشکر فراوان از اساتید فرهیخته و ارزشمند،

خانم دکتر هنرپروان به پاس حمایت ها و راهنمایی های مدیرانه شان

خانم دکتر سهامی به پاس هدایت های فکورانه شان

خانم دکتر معین به پاس زحمات عالمانه شان

سپاس از

پدرم که راه را به من نشان داد

مادرم که چگونه رفتن را به من آموخت

خواهر و برادرانم که محبت های بی دریغشان هرگز فروکش نمی کند

و

شوهر خواهرم به شکرانه می بودنش

پیشکش به وجود امید بخشش

حضور شادی آفرینش

خواهر زاده سرا پا خوبیم...

پارسا

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
	فصل اول : کلیات تحقیق
۳	مقدمه
۶	بیان مسئله
۱۱	اهمیت و ضرورت پژوهش
۱۳	اهداف پژوهش
۱۳	فرضیه پژوهش
۱۴	تعریف متغیرها
	فصل دوم: چهارچوب نظری و پیشینه تحقیقاتی
۱۸	مقدمه
۱۸	الف) مبانی نظری پژوهش
۱۸	دل بستگی
۲۲	نظریه روانکاوی
۲۳	نظریه روانی - اجتماعی
۲۵	نظریه کردارشناسی
۲۷	نظریه یادگیری
۲۸	نظریه شناختی
۲۹	نظریه فردنگر
۲۹	مدل سایبرنتیک
۳۰	مراحل شکل گیری دل بستگی
۳۱	سبک های دل بستگی
۳۲	دل بستگی بزرگسالان
۳۵	دل بستگی و روابط زوجین

صفحه	عنوان
۳۸	عزت نفس.....
۳۹	عزت نفس زنان.....
۴۲	عزت نفس جنسی.....
۴۳	نظام ارزش.....
۴۶	ارزش از دیدگاه شوارتز.....
۴۷	ارزش از دیدگاه پارسونز.....
۴۸	ارزش از دیدگاه راکیج.....
۴۹	ب) مرور تحقیقات پیشین.....
۴۹	تحقیقات خارجی.....
۵۲	تحقیقات داخلی.....
۵۶	جمع بندی.....
فصل سوم: روش پژوهش	
۵۸	مقدمه.....
۵۸	طرح کلی پژوهش.....
۵۸	جامعه آماری پژوهش.....
۵۸	نمونه مورد مطالعه و شیوه نمونه گیری.....
۵۸	ابزارهای اندازه گیری.....
۵۸	پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان AAI.....
۵۹	پرسشنامه وابستگی خاص نسبت به همسر SSDS-W.....
۶۰	پرسشنامه عزت نفس جنسی SSEI-W.....
۶۱	پرسشنامه نظام ارزشی.....
فصل چهارم : یافته های پژوهش	
۶۳	مقدمه.....
۶۳	یافته های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش.....

صفحه	عنوان
۶۵	یافته های استنباطی (بررسی فرضیه های پژوهش).....
	فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری
۷۱	خلاصه
۷۱	بررسی و تبیین نتایج فرضیه های پژوهش.....
۷۶	محدودیت ها.....
۷۶	پیشنهادها.....
	فهرست منابع
۷۷	منابع فارسی.....
۸۴	منابع انگلیسی.....
۸۹	چکیده انگلیسی.....

چکیده

هدف اصلی از پژوهش تعیین نقش واسطه‌گری دلبستگی به همسر در ارتباط با دلبستگی به والدین، نظام ارزشی و عزت نفس جنسی است. این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه مورد مطالعه کلیه زنان متأهل شهر شیراز است. حجم نمونه مورد مطالعه در این پژوهش ۱۵۰ نفر است. نمونه پژوهش از بین زنانی که فرزندشان در دبیرستان‌های شهر شیراز مشغول به تحصیل هستند، به صورت خوشه‌ای تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شد. بدین ترتیب که از بین مناطق چهارگانه آموزش و پرورش، منطقه دو و سه بصورت تصادفی انتخاب شدند، سپس از بین کل دبیرستان‌های این دو منطقه، تعداد ۱۰ دبیرستان و از هر دبیرستان یک کلاس بصورت تصادفی انتخاب شدند و سپس مادران کلیه دانش‌آموزان هر کلاس به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردیدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های دلبستگی به والدین هازن و شیور (۱۹۸۷)، دلبستگی به همسر راتوس و اولیری (۱۹۹۷)، نظام ارزشی سهامی (۱۳۸۸) و عزت نفس جنسی زینا و شوارتز (۱۹۹۶) استفاده شد. داده‌های بدست آمده با استفاده از رگرسیون چندگانه به صورت متوالی همزمان (simultaneous sequential regression) و مطابق با مراحل بارون و کنی (Baron & Kenny)، مورد ارزیابی قرار گرفت. در نهایت یافته‌های پژوهش موید نقش واسطه‌گری دلبستگی به همسر در ارتباط بین ارزش‌ها، دلبستگی به والدین و عزت نفس جنسی نبود، اما بعد رضایت از زندگی و دلبستگی ایمن به والدین با دلبستگی منحصر به فرد به همسر و عزت نفس جنسی رابطه مستقیم و معنا دار داشتند و سبک دلبستگی اضطرابی به والدین با عزت نفس جنسی رابطه منفی داشت.

واژگان کلیدی: دلبستگی به والدین، دلبستگی به همسر، نظام ارزشی و عزت نفس جنسی.

فصل اول

(کلیات تحقیق)

یکی از نهادهای مهم اجتماعی که اهمیت و نقش‌های مختلف آن مورد توجه علمای مذهبی، صاحب نظران تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان قرار گرفته، خانواده است. خانواده کانونی است که شخصیت کودک در آن قوام می‌گیرد و تکمیل می‌شود و سرنوشت آینده او در همان محیط شکل می‌گیرد. هر انسانی دوران کودکی را با شرایطی ویژه و در درون خانواده خاصی سپری می‌کند. در واقع فرد بدون خانواده قابل تعریف نیست و به عبارتی خانواده اصلی، کانون شکل‌گیری هویت فرد است. مکانی که تأثیر را پس از سال‌ها و زمانی که خانواده اصلی را ترک می‌کند، در زندگی زناشویی نشان می‌دهد (نوابی نژاد، دوکانه ای فرد، آقاجانی، ۱۳۸۸).

ازدواج در جامعه‌ی متغیر امروزی یک پدیده‌ی پیچیده است. انسان‌ها به دلایل مختلفی ازدواج می‌کنند. در کنار تمایلات جنسی که از مسائل اولیه هستند، عشق، امنیت اقتصادی، محافظت، امنیت عاطفی، احساس آرامش و فرار از تنهایی نیز بعضی از عواملی هستند که باعث گرایش به ازدواج می‌شوند (جانیتیسوس، ۲۰۰۴؛ به نقل از بخشایش و مرتضوی، ۱۳۸۸). در واقع ازدواج موفق و شروع رابطه‌ی زناشویی قادر است بسیاری از نیازهای روانی و جسمی را در یک محیط امن برآورده سازد و تأثیر به‌سزایی بر سلامت و بهداشت روانی افراد، داشته باشد (نورانی پو، بشارت و یوسفی، ۱۳۸۶).

استواری و استحکام خانواده به ازدواج و رابطه زناشویی پایدار و بنیادین بستگی دارد. یعنی هر گونه تزلزل در رضایت زناشویی^۱ یا نبود یک ازدواج موفق، علاوه بر آن که آرامش درونی زوج‌ها را مختل می‌کند، بقاء و دوام خانواده را نیز در معرض تهدید قرار می‌دهد (صادقی، ۱۳۸۰).

بالبی^۲ معتقد است سه عامل مهم در رضایت زناشویی زوجین مؤثر است: ۱- رضایت‌مندی زناشویی والدین، ۲- بهره‌مند بودن از یک دوره کودکی همراه با شادی و خوشی، ۳- نداشتن کشمکش و تعارض^۳ با مادر. رابطه زناشویی باید بر اساس محبت، همکاری^۴، همدردی^۵، تفاهم، گذشت^۶، فداکاری^۷ متقابل و زندگی مشترک زن و شوهر استوار باشد. از این رو یکی از مهمترین عوامل مؤثر در تعاملات بین فردی، نوع سبک دلبستگی^۸ است که در دوران کودکی فرد شکل گرفته و با توجه به محیطی که در آن تحول یافته است در سنین بعدی ادامه می‌یابد. دلبستگی که به عنوان پیوند عاطفی کودک - مادر است، تعیین‌کننده بهداشت و سلامت روانی فرد است. بالبی بر این باور است که دلبستگی مؤلفه‌ی مهمی از تجربه‌ی انسان

¹ marital satisfaction

² Bowlby

³ conflict

⁴ cooperation

⁵ condolence

⁶ forgiveness

⁷ sacrificing

⁸ attachment style

از "گهواره تا گور" است. او روابط دلبستگی را به عنوان عامل مهم در زندگی عاطفی بزرگسالان در نظر می‌گیرد. (بالبی، ۱۹۶۰، ۱۹۶۱، ۱۹۸۵؛ به نقل از مظاهری، ۱۳۷۷).

مطالعات انجام شده، نشان داده اند که بین سبک های دلبستگی در یک یا هر دو زوج و مشکلات زناشویی رابطه وجود دارد (بشارت، ۲۰۰۳، گوین، گلاسر، مالارکی، استول و هووتس^۱، ۲۰۰۸). بر اساس نظریه دلبستگی، تجارب والد- فرزند در اوایل کودکی، باعث شکل گیری سبک های دلبستگی در کودک می شود و بدین سان انتظارات وی از روابط آینده شکل می گیرد (بالبی، ۱۹۸۸ به نقل از مردیت^۲، اینزورث^۳ و استرانگ^۴، ۲۰۰۸). هازن و شیور^۵ (۱۹۸۷، نقل از مظاهری، ۱۳۷۷) نشان دادند که سبک دلبستگی فرد در کودکی، بر چگونگی روابط رمانتیک وی در بزرگسالی تاثیر گذار است.

مطالعه ارزش ها^۶ برای تبیین شخصیت و نظام های اجتماعی بسیار مهم و تعیین کننده است. افراد و گروه ها در ارزش ها متفاوتند (سهامی، سرایی، ۱۳۸۹). بیشتر الگوهای اجتماعی و درونی شدن ارزش ها به طور مستقیم یا غیر مستقیم از خانواده نشأت می گیرد و فرزندان نگرش ها^۷، نقش ها^۸، و انتظارات^۹ والدینشان را درونی می کنند (اسکون فلاگ^{۱۰}، به نقل از حبیبی، جزء مطلبی، فتحی آشتیانی و انوری، ۱۳۸۹).

ارزش، به عنوان شکل دهنده پیام های رفتاری، دارای بیشترین تاثیر در کنش افراد است. به عبارتی در بعد فردی و روانی، مهمترین منبع برای جهت گیری، درک و شناخت از خود و در بعد اجتماعی مجموعه ای از عقاید و نگرش ها هستند، که فرد در فرآیند جامعه پذیری آن ها را بدست می آورد و خود را با قواعد و هنجارها هماهنگ می سازد. بنابراین نظام ارزشی هر فرد در روابط او با دیگران نقش مهمی ایفا می کند (فرامرزی، به نقل از حبیبی و همکاران، ۱۳۸۹).

عوامل متعددی در رضایت از زندگی زناشویی نقش دارد. یکی از مهمترین عوامل، روابط جنسی سالم و خوشایند است. فعالیت جنسی و رضایت حاصل از آن به عنوان یکی از اساسی ترین ابعاد زندگی است، بطوریکه فوگل^{۱۱} مسائل جنسی را به عنوان یک جنبه مهم و طبیعی از زندگی شخصی افراد توصیف می کند و آن را فراتر از یک رفتار جنسی صرف می داند (رحمانی، صادقی، الله قلی و مرقاتی، ۱۳۸۹). رابطه جنسی هنر ظریفی است که باید درست عمل شود در غیر این صورت، رابطه ای که می تواند در خدمت

¹ Guin, Glaser, Malarkey, Stowell & Houts

² Meredith

³ Ainsworth

⁴ Strong

⁵ Hazan & Shaver

⁶ values

⁷ attitudes

⁸ roles

⁹ expectations

¹⁰ Schonpflug

¹¹ Fogel

تفاهم، مهر و محبت بشر قرار گیرد، بر عکس نتیجه منفی خواهد داشت، یعنی زن و مرد را به سمت و سوی انحرافی می راند. اگر به هر دلیلی روابط جنسی سالم بین زن و شوهر ایجاد نشود، یکی یا هر دو آن ها ناراضی، دلخور و دلزده خواهند شد و در نتیجه اگر سایر شرایط تفاهم مهم نباشد، امکان فروپاشی زندگی زناشویی و بالاخره جدایی بیشتر می شود (استون و استون^۱، ۲۰۰۶؛ ترجمه پورحکمت، ۱۳۸۵).

عوامل متعددی وجود دارد که می تواند بر عملکرد جنسی تأثیر بگذارد یکی از این عوامل عزت نفس جنسی^۲ است که با جنبه جسمانی رابطه دارد و باعث داوری ها درباره خود شخص است که هدف های مورد نظر شخص و سطح یا تراز آرزوی او را شامل می شود. این هدف ها شامل احساس شخص و ارزش خود است (مؤمنی، ۱۳۸۴). عزت نفس جنسی، بر رفتارهای جنسی تأثیر می گذارد و عبارت است از واکنش عاطفی انسان نسبت به ارزیابی از افکار، احساسات و رفتارهای جنسی خودش (بث^۳، جولین^۴، آنتونی^۵ و میشل^۶، ۲۰۱۰). افراد با عزت نفس پایین توانایی خود برای ابراز تمایلات جنسی را سرکوب می کنند، اما در صورت داشتن عزت نفس بالا رفتار سالم جنسی ایجاد می شود. در شخص دارای عزت نفس بالا بین اختلال و تمایلات، وحدت و هماهنگی وجود دارد (مک کای و فانینگ^۷، به نقل از رضانی و همکاران، ۱۳۹۰).

شاکل فورد^۸ (۲۰۰۱)، در مطالعه خود در مورد ابعاد عزت نفس نشان داد زنان نسبت به مردان در همه ی ابعاد (کلی، جسمی، اجتماعی و ذهنی)، امتیاز کمتری کسب کرده اند. اما مک کیپ، (۲۰۰۳) در مورد عزت نفس و رضایتمندی جنسی در مطالعه خود نشان دادند که عزت نفس و رضایتمندی جنسی در زنان بیشتر از مردان بوده است. در پژوهش موهرر و همکاران مشخص شد، بین عزت نفس و اختلال عملکرد جنسی همبستگی منفی وجود دارد، به این معنا که عزت نفس پایین سبب افزایش اختلال عملکرد جنسی می شود (موهرر^۹، کلر^{۱۰}، پواتانا^{۱۱}، ۲۰۰۶).

پژوهش ها نشان داده است که بطور کلی، زمانی که عزت نفس جنسی فرد آسیب می بیند، نظر فرد درباره ی خودش، رضایت از زندگی، توانایی در تجربه لذت، روابط متقابل و توانایی در ایجاد روابط صمیمانه با دیگران مختل می شود. اگر آسیب به عزت نفس جنسی شدید باشد، می تواند موجب اختلال شدید در کارایی فرد شود (دانش، ۱۳۹۰).

¹ Ston & Ston

² sexual-self esteem

³ Beth

⁴ Julian

⁵ Anthony

⁶ Michael

⁷ Mc Kay & Fanning

⁸ Shackelford

⁹ Muehrer

¹⁰ Keller

¹¹ Powwattana

زنان برخوردار از سلامت کامل جسمی، روانی و عاطفی، پایه های مستحکم زندگی خانوادگی سالم و توأم با سعادت هستند. سرکوب نیازهای طبیعی خدادای زنان، آثار نامطلوبی بر صمیمیت و نشاط اعضای خانواده بر جای خواهد گذاشت. نیازهای جنسی نه تنها در رده نیازهای فیزیولوژیک، بلکه در حیطه نیازهای معنوی و عرفانی در نظر گرفته می شود. سازمان بهداشت جهانی معتقد است که بهداشت جنسی، یکپارچگی و هماهنگی میان ذهن، احساس و جسم بوده و هرگونه اختلال که منجر به ناهماهنگی و در نتیجه عدم رضایت از رابطه جنسی گردد، می تواند نارسایی کنشی جنسی را به همراه داشته باشد (بلوریان، گنجلو، ۱۳۸۶).

پژوهش حاضر به دنبال بررسی نقش میانجی گری دلبستگی به همسر در ارتباط با دلبستگی به والدین، نظام ارزشی و عزت نفس جنسی در زنان می باشد.

بیان مسئله

هر کودکی که به دنیا می آید اولین کسی را که در بدو تولد مشاهده و لمس می کند مادر است. آغوش پر مهر مادر متضمن امنیت روانی - عاطفی کودک در چند سال اول زندگی اوست (ولیزاده، ارشدی، باباپور و شاملی، ۱۳۹۲). بالبی (۱۹۶۹، به نقل از هنرپروران، ۱۳۹۱) دلبستگی را پیوند هیجانی پایدار بین دو فرد، به طوری که یکی از طرفین کوشش کند نزدیکی یا مجاورت با نگاره دلبستگی را حفظ کرده و به گونه ای عمل کند تا مطمئن شود ارتباط ادامه دارد، تعریف نمود. به عقیده ی وی، پیوند های هیجانی متقابل که منجر به نزدیکی کودک و مادر میشوند، نخستین تجلیات دلبستگی می باشند. بطور کلی، دلبستگی را می توان جو هیجانی حاکم بر روابط کودک با مراقبش تعریف کرد. این که کودک مراقب خود را (که معمولاً مادر است) می جوید و به او می چسبد، نشان دهنده دلبستگی است.

این ارتباط معمولاً یک فرایند فردی و چند عاملی بوده و روندی تدریجی و تکاملی را طی نموده و یک شب اتفاق نمی افتد و می تواند در طول دوره تکاملی کودک رشد یافته و به عنوان یک اصل اساسی بر روی سلامت نوزاد تأثیر گذار باشد. این رابطه معمولاً دو طرفه بوده و بر اثر تجارب ارضاء کننده والد و کودک ایجاد شده و رشد می یابد. دلبستگی از مراحل اولیه حاملگی شروع شده و در جریان حرکات جنین و خیال پردازی مادر درباره نوزاد رشد می یابد (ریچی^۱، ۲۰۰۹؛ به نقل از ولیزاده، ارشدی، باباپور و شاملی، ۱۳۹۲).

تجربه های واقعی فرد در مورد حساسیت، پاسخگو بودن، حضور فعال مراقب همچنین خلق و خوی کودک و هماهنگی روابط والد - کودک، اساس شکل دهی به سبک های مختلف دلبستگی ایمن^۲، اجتنابی^۳ اجتنابی^۳ و اضطرابی^۱ در خلال سال های نوزادی و کودکی است (کاپلان، ۲۰۰۰؛ رجایی، نیری و صدقاتی،

¹ Ricci

²secure

³avoidance

۱۳۸۶). رابطه اولیه با مراقب نه تنها بر رفتار کودک تأثیر می‌گذارد بلکه پایه‌هایی برای شکل‌گیری روابط بین فردی سال‌های آینده کودک حتی در زندگی مشترک خویش است (دروری^۲، ۲۰۱۲).

در حالی که رفتار دلبستگی در اوایل کودکی بیشتر از هر زمان دیگری قابل مشاهده است، اما می‌توان در چرخه حیات آن را مشاهده کرد، به این معنا که سوابق روابط عاطفی کودک با مراقب خود، پیامدهای بلندمدتی را ایجاد می‌کند که آثارش تا سنین بزرگسالی نیز به چشم می‌خورد (گودوین^۳، ۲۰۰۴، نقل از مهبود و فولادچنگ، ۱۳۹۱).

یک مفهوم کلیدی در نظریه‌ی دلبستگی که پیوند ارتباط بین کیفیت روابط دلبستگی کودک و بزرگسال را مطرح می‌سازد، مفهوم "الگوی عملی درونی" است. در خلال سال‌های اولیه‌ی رشد، افراد بر حسب تجاربشان با چهره‌های دلبستگی و تعامل با جهان مادی، الگوهای عملی درونی خود را به وجود می‌آورند. به کمک همین الگوهاست که شخص وقایع را درک و تفسیر کرده، حوادث را پیش‌بینی و طرح‌هایی را بنا می‌کند. بنابراین تجربه دلبستگی اولیه می‌تواند به یک الگوی درونی تبدیل شود و تعیین‌کننده افراد چگونه خود را و انتظارات خود را در روابط آینده با دیگران، نظم دهند. به عبارت دیگر، سبک‌های دلبستگی در چارچوب روابط نخستین نوزاد - مادر تشکیل می‌شوند و از آن پس تعامل‌های فرد با دیگران از جمله روابط صمیمی وی در بزرگسالی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و سازماندهی می‌کنند (آرمسدن و گرینبرگ^۴، ۱۹۸۷؛ بارسلومی^۵، ۱۹۹۰؛ هازان و شیور^۶، ۱۹۹۴؛ به نقل از واحدی و فتحی، ۱۳۸۹).

برمن و اسپرلینگ^۷ (۱۹۹۴)، به نقل از هنرپروران (۱۳۹۱) دلبستگی در بزرگسالان را اینگونه تعریف می‌کنند: گرایش پایدار فرد و تلاش وی برای دست‌یافتن به حفظ هم‌جواری با اشخاصی که امنیت جسمی و روان‌شناختی را برای او فراهم می‌کنند. دلبستگی بزرگسالان در جنبه‌های اساسی و مهم مشابه دلبستگی کودکان به مراقب اصلی خود می‌باشد. در هر دو رابطه تمایل شدید به توجه، پاسخ‌دهی هیجانی و علاقه متقابل وجود دارد. تحقیقات ثابت کردند که در الگوهای روابط جنسی یا عاشقانه زوج‌های بزرگسال، هر یک نقش نگاره دلبستگی اولیه را برای دیگری ایفا می‌کند. کیفیت زندگی جنسی زوجین، عامل مهمی در رضایتمندی ارتباطی بوده و تحت تأثیر دلبستگی ایمن یا ناایمن قرار می‌گیرد. برای زوجین رابطه زناشویی دروازه‌ای برای دستیابی به هماهنگی است.

هازن و شیور از نظریه سبک‌های دلبستگی برای توجیه و تبیین روابط اجتماعی، عاشقانه و جنسی در دوران نوجوانی و بزرگسالی استفاده کردند. از نظر آنها سبک‌های دلبستگی، بازنمایی ذهنی از خود و

¹ anxious

² Drury

³ Gudvin

⁴ Armesden & Greenberg

⁵ Bartholomew

⁶ Berman & Sperling

دیگران را انعکاس می دهند و منجر به جهت گیری های مختلف در ارتباطات نزدیک می شوند و به عنوان ابعاد شخصیتی ثابت در نظر گرفته می شوند که نه تنها در کودکی بلکه در بزرگسالی هم نقش بسیار اساسی در برقراری ارتباط با دیگران دارند (تیمور پور، مشتاق بیدختی و پورشهباز، ۱۳۸۹).

نگرش، امیال و درک شریک جنسی در ارتباطات جنسی می تواند شاخه هایی از دلبستگی به والدین به شمار آیند (خطیبی، ۱۳۸۳). مطالعات فیچر^۱ و مور^۲ (۲۰۰۵، نقل از هنرپروران، ۱۳۹۰) نشان داد که هر سه سبک دلبستگی (ایمن، اضطرابی و اجتنابی) با سطوح برانگیختگی، لذت و رضایت جنسی رابطه دارد و کاهش روابط جنسی منجر به تهدید دلبستگی میگردد.

بشارت و گنجی (۱۳۹۱) در پژوهشی نشان دادند که سبک دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی، همبستگی مثبت معنی دار و سبک های دلبستگی نایمن با رضایت زناشویی، همبستگی منفی معنی دار دارد. اهمیت روابط دلبستگی اولیه و نقش آن در هدایت رشد اجتماعی - هیجانی آتی فرد، به طور گسترده ای در دهه های اخیر به اثبات رسیده است. ترکیب مسائل فرهنگی با نظریه دلبستگی، نیاز به رویکردی چند رشته ای دارد که شامل تعریف کلی در مورد فرهنگ باشد. فرهنگ^۳، یعنی تعریفی که در بین کلیه رشته ها مورد قبول باشد (کسیدی و شاور، ۱۹۹۹؛ به نقل از جانسون و ویفن، ترجمه بهرامی، ۱۳۸۷).

ما دانش فرهنگی را از طریق تعاملات اجتماعی و تجارب زندگی بدست می آوریم. فرهنگ، همواره در حال تغییر است، زیرا در درون افراد جای دارد و پیوسته در متن تعاملات اجتماعی دستخوش تغییر می شود. در نتیجه این دانش فرهنگی مشترک، چارچوب انتظارات و ارزش ها را در اختیارمان می گذارد که بر پایه آن تعاملات اجتماعی خود را شکل می دهیم، زندگی روزمره را ساختار می دهیم، و تجربیات مان را تفسیر می کنیم (جانسون و ویفن؛ ترجمه بهرامی، ۱۳۸۷).

نظریه دلبستگی چنین پیش بینی می کند که مراقبت مادرانه ای که توأم با حساسیت و پاسخ گویی باشد به رشد روابط دلبستگی ایمن و در نهایت شایستگی اجتماعی - هیجانی کودک منتهی می شود. انجام تحقیقات دلبستگی در میان گروه های فرهنگی مختلف نشان داده است که جوامع نمونه، در الگوهای طبقه بندی دلبستگی که در موقعیت های ناآشنا و غریب اندازه گیری شدند، به طور قابل توجهی با یکدیگر فرق داشتند. الگوی دلبستگی های ایمن، در بین فرهنگ های مختلف مشابه است، اما تفاوت در الگوهای نایمن در بین فرهنگ ها قابل توجه می باشد (اینثورث، بلهار، واترز و وال، ۲۰۰۰).

مارتین به عنوان یک جامعه شناس فرهنگی، فرهنگ را شامل تمامی محتواهای فکری و ارزشی که زندگی انسانی را از زندگی حیوانی تمایز و برجسته می سازد می داند. رفتار فرهنگی، کنشی متکی بر مجموعه ای از ارزیابی هاست یعنی این که چه چیزی خوب یا بد، نادرست یا درست، شایسته یا ناشایسته،

¹Ficher

²Mour

³ culture

⁴ Belhar, Waters & wall

کافی یا ناکافی، زیبا یا مبتذل، ارزشمند یا بی ارزش، آزادی یا اجباری است. پس واقعیت فرهنگی یک واقعیت ارزشی است (رفیع پور، ۱۳۷۸).

ارزش ها سهم بسزایی در ساختار فرهنگی جوامع دارند و در شکل دهی به کنش های افراد موثرند. ارزش ها پایه های رفتاری افراد یک جامعه بوده و از شاخص های مهم جوامع اند که در شناخت پیش بینی و کنترل کنش های افراد جامعه سهم بسزایی دارند (باستانی و فرمی، ۱۳۸۷). ارزش از نظر معنی بسیار غنی و از این رو بسیار پیچیده است و به دشواری میتوان آن را تعریف کرد. ارزش ها نقش اساسی در تبیین، کنترل، هدایت، نظارت و پیش بینی کنش دارند. ارزش ها به ما میگویند چه چیزی مطلوب است و کدام روش از نظر اجتماعی نکوهیده و نامطلوب است. اصولاً انسان بیش از هر چیز یک موجود ارزشی است. دآوری های ما از رفتار و گفتار و پندار دیگران بر اساس ارزش هاست. (سهای، ۱۳۸۹).

نظام ارزشی در برگیرنده سلسله مراتبی از ایده آل هاست. انتقال ارزش ها بین والدین و فرزندان در ابعاد مختلف بیان شده است. تحقیقاتی که شباهت های ارزشی والدین و فرزندان را بررسی نموده اند، نتایج متفاوتی گزارش کرده اند. تحقیقات نشان دادند که بین ارزش های والدین و فرزندان همسانی وجود دارد، اما در اغلب موارد این ارتباط خیلی ضعیف بوده است (نلسن^۱، ۱۹۸۱، به نقل از حبیبی و همکاران، ۱۳۸۹). انتخاب هدف و شیوه های نیل به آنها در جامعه با ملاک های ارزشی سنجیده می شود. ارزش ها و نظام ارزشی از جنبه های بسیار مهم شخصیت هستند که پایه و اساس زندگی آدمی به شمار میروند. کیفیت زندگی، چگونگی رفتار و مناسبات افراد مستقیماً متأثر از نظام ارزش ها و اصول اخلاقی است که بدان پایبند می باشند، بنابراین خانواده در میان الگوهای پیشمار، نخستین الگوی تأثیر گذار بر تحول فرزندان و الگوهای رفتاری، خصوصیات اخلاقی، انگیزه ها و ارزش ها آنان است (برجعی، ۱۳۸۰).

گریزه جنسی از نیازهای ذاتی انسان است. به طوری که مازلو، این نیاز را در رده ی نیازهای جسمانی یا نیازهای حیاتی اولیه قرار داده است. در زمینه ی رابطه جنسی نیز می توان گفت که اگر چه زندگی زناشویی سعادت‌مندانه فقط تا اندازه ای مربوط به رابطه ی جنسی است ولی این رابطه ممکن است از مهمترین علل خوشبختی یا عدم خوشبختی در زندگی زناشویی باشد. زیرا اگر این رابطه قانع کننده نباشد منجر به احساس محرومیت، ناکامی و عدم احساس ایمنی (به خطر افتادن سلامت روان) و در نتیجه از هم پاشیدگی خانواده می شود (شاملو، ۱۳۸۱).

عوامل مختلفی در تعیین رفتار ها و تمایلات جنسی نقش دارند نظیر محیط، عوامل هورمونی، فیزیولوژی، روانشناختی، فرهنگی، روابط فرد با دیگران، تجارب رشدی در طول دوران زندگی و همچنین عواملی چون طول مدت و کیفیت رابطه، عوامل روانی فردی که از روابط دوران کودکی در ارتباط با نقش

¹ Nelsen

های والدی منشأ می گیرد و به طور کلی روش های تطابق با احساسات، بیماری ها، و استفاده از دارو، تنش های شخصی و هیجانانگیز می توانند پاسخ جنسی را تحت تأثیر قرار دهند (باتزر و کامپ بل^۱، ۲۰۰۸). از جمله عوامل مؤثر در کیفیت و رضایت جنسی زوجین، عزت نفس جنسی می باشد. عزت نفس، افکار و احساساتی است که فرد درباره ی خویشتن دارد. به عبارت دیگر کسی که احساس مثبتی نسبت به خود دارد از اعتماد به نفس بالایی برخوردار است و به عکس، که این عزت نفس را در حیطه جنسی، عزت نفس جنسی گویند (آقایی و آتش پور، ۱۳۸۴).

عزت نفس جنبه های مختلفی دارد. براندن^۲ بر اساس جنبه های انسان گرایانه، از عزت نفس به عنوان نیاز وجودی و مولفه ی برانگیزنده بنیادین رفتار انسان یاد می کند، که به میزان های مساوی، شامل ارزش مداری و شایستگی است. به اعتقاد او عزت نفس از دو جنبه مرتبط به هم، یکی احساس خودکارآمدی شخصی و دیگری احساس ارزشمندی شخصی تشکیل شده است، که این دو جنبه باعث ایجاد اعتماد به نفس و احترام به خود می شود (هوبان و هوبان^۳، ۲۰۰۴، به نقل از دانش، رضابخش، بهمنی و سلیمی نیا، ۱۳۹۰).

از نظر تعریف، عزت نفس جنسی عبارتست از احساس فرد نسبت به جنسیت خویش که احساس خوشایند تا ناخوشایند و دارای شایستگی تا ناشایستگی متغییر است (مایرز، هلر و هلر^۴، ۲۰۰۳). به عبارت دیگر، به احساسی که فرد نسبت به بدن، اندام ها و رفتار های جنسی و جنسیت خود دارد، عزت نفس جنسی گفته می شود (تامسون و کالوگرا^۵، ۲۰۰۹).

عملکرد جنسی مناسب و سالم یکی از نشانه های سلامت جسم و روان است، یکی از مولفه های کیفیت زندگی به حساب می آید، باعث ایجاد حس لذت مشترک در بین زوجین می شود و توانایی فرد را برای مقابله کارآمدتر با استرس ها و مشکلات زندگی افزایش می دهد. یکی از مهمترین عوامل خوشبختی در زندگی زناشویی، روابط لذت بخش جنسی است و رضایت بخش نبودن آن منجر به احساس محرومیت، ناکامی و عدم ایمنی در همسران می شود. این محرومیت جنسی در بسیاری از مواقع در نهایت منجر به طلاق و از هم گسستگی زندگی زناشویی می گردد. نارضایتمندی جنسی یکی از عوامل مؤثر در بسیاری از طلاق ها به شمار می آید. بی توجهی به اهمیت مشکلات جنسی در روابط زناشویی موجب صدمات بسیاری به روابط زن و شوهر می شود و با ایراد گیری از همسر، ابراز نارضایتی از زندگی، قهر های

¹ Butzer & Campbell

² Branden

³ Huban & Huban

⁴ Mayers & Heller

⁵ Thamson & Calogera

طولانی، تعارض، تهدید به جدایی و غیره همراه است (مک کارتی^۱، ۲۰۰۲ به نقل از تیمورپور و همکاران، ۱۳۸۹).

بر این اساس، مطالعه حاضر با هدف بررسی نقش واسطه ای دلبستگی به همسر در ارتباط با دلبستگی به والدین، نظام ارزشی و عزت نفس جنسی در زنان انجام شد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

ازدواج مقدس ترین و پیچیده ترین رابطه میان دو انسان از جنس مخالف است که ابعاد وسیع و عمیق و هدف های متعدد دارد. بی شک هیچ نابهنجاری عاطفی و اجتماعی که از تأثیر خانواده فارغ باشد، وجود ندارد. خداوند سبحان در قرآن چنین می فرماید: از نشانه های خدا این است که از جنس خودتان برای شما زنان و همسران آفرید تا در کنار آنان به سکون و آرامش درآیید و بین شما دوستی و مهربانی قرار داد، به درستی که در این کار نشانه هایی است برای افراد که اهل تفکر و اندیشه اند (سوره روم، آیه ۲۱).

آغاز زندگی زناشویی به رغم وجود جاذبه های عاطفی و جنسی اش، گاه آغاز تدریجی اختلاف در زمینه های مختلف است. تحقیقی با هدف بررسی مشکلات زناشویی زوج ها در مراحل مختلف دوره زندگی انجام شده است. این تحقیق چهارده زمینه مشکل بالقوه را بررسی کرده که عبارتند از: ارتباط، برخورد با بچه ها، تمیز کردن منزل، مسائل نقش جنسیتی، مسائل مالی، مسائل جنسی، موضوعات معنوی، صمیمیت عاطفی، خشونت، تعهد، ارزش ها، نامادری و ناپدیری بودن، تصمیم گیری و فعالیت های اوقات فراغت. نتایج این تحقیق نشان داد، صمیمیت عاطفی، مسائل جنسی، ارتباط و تصمیم گیری مسائلی هستند که اغلب به عنوان مشکل ذکر شده اند (میلر، یورگاسن، سندبرگ و وایت^۲، ۲۰۰۳).

ناکامی زوج ها در حل اختلافات زناشویی معلول عوامل بی شمار است و ممکن است به اشکال گوناگون، به صورت افسردگی یک یا هر دو زوج، اعتیاد، اختلالات رفتاری فرزندان، سوء رفتار با همسر و خشونت کلامی و فیزیکی بین هر دو زوج و کودک آزاری بروز کرده، نهایتاً منجر به طلاق گردد (صفار، ۱۳۸۶).

طبق تعریف، طلاق فرایندی است که با تجربه ی بحران عاطفی هر دو زوج شروع می شود و با تلاش برای حل تعارض از طریق ورود به موقعیت جدید با نقش ها و سبک زندگی جدید خاتمه ی یابد (گاتمن، ۱۹۹۳؛ به نقل از یوسفی و سهرابی، ۱۳۹۰).

در ایران اختلافات زناشویی و طلاق جزء آسیب های حاد جامعه به شمار می رود و پژوهشگران طلاق را در شمار فشارهای روانی شدید (رتبه اول از نظر شدت) ارزیابی کرده اند و آن را جزء رویدادهای فشارزای زندگی رتبه بندی کرده اند (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۰). برطبق آمارهای رسمی و غیر رسمی و اظهارات مسئولین دادگاه های خانواده از هر ۵ یا ۴ ازدواجی که صورت می گیرد یک مورد آن متأسفانه به

¹ Maccarthy

² Miller, Yourgason, Sandberg & White